

## ایران و جهان

\* دادستان کل کشور خواستار سرعت دادن به رسیدگی به پرونده کوی دانشگاه شد.

\* به گفته غفوری فرد، احمدی نژاد به حزب اعتقاد ندارد.

\* ترک‌ها ایران را از لیست قرمز خود خارج ساختند.

\* در حالی که خبرگزاری مهر کشته شدگان کهریزک را شهید نامیده ولی روزنامه وطن امروز آن را رد کرده است.

\* رئیس کل بانک مرکزی ادعا کرد که ذخایر ارزی کشور دو برابر شده است.

\* زیان فشارخون در ایران یک میلیارد و ۳۷ میلیون دلار برآورد شد.

\* آیت‌الله مکارم شیرازی به کمک به هنرپیشگان اعتراض کرد.

\* ایران به لبنان موشک دفاعی می‌فرشد.

\* سایپا در عوض تولید ۶۸۲ دستگاه خودرو «زانتیا» فقط توانست ۶۰ خودرو تولید کند.

\* تامین اجتماعی در ازای طلب از دولت، اپراتوری سوم تلفن همراه را دریافت کرد.

\* پست DHL فعالیت خود را در تهران به حالت تعلیق درآورد.

\* ۲۰ درصد مبتلایان به سل مبتلا به ایدز هستند.

\* وزارت اطلاعات یکبار دیگر موسویان را متهم به جاسوسی کرد.

\* مصر از صدور ویزا برای نمایندگان مجلس که در صدد سفر به غزه هستند خودداری می‌کند.

\* نخست‌وزیر چین خواستار اصلاحات سیاسی شد.

\* پترائوس اعلام کرد که ابتکار عمل در افغانستان از طالبان گرفته شده است.

\* ممکن است سیاسیون عراقی برای خروج از بن‌بست در دمشق گردهم آیند.

\* نظامیان اسرائیل در جولان اشغالی آموزش می‌بینند.

\* البرادعی انتخابات پارلمانی مصر را تحریم می‌کند.

\* صدور رأی دادگاه ترور رفیق حریری به تعویق افتاد.

\* نیروهای ویژه امنیتی روسیه اقدام به قتل عامل بمب‌گذاری تروریستی مارس گذشته در مترو مسکو کردند.

\* ۸۴ درصد بی‌سوادان ترکیه رازنان تشکیل می‌دهند.

\* رئیس جمهوری آفریقای جنوبی خواستار توقف اعتصاب سراسری کارگران شد.

\* طالبان پاکستان حملات خود را از سر گرفت.

\* مصر هم به دنبال ساخت نیروگاه هسته‌ای است.

\* کرزای اتهامات جدیدی را متوجه شرکت‌های خصوصی امنیتی کرد.

## استرالیا؛

## جمهوری یا فرمانداری کل؟!

را رویاروی هم قرار داد. در این تقسیم‌بندی، لندن به سوی واشنگتن گرایش یافته و در مقابل شوروی و جهان کمونیست قرار گرفت. دانش و اطلاعات انگلیس از ملت‌ها و کشورها، لندن را به ابرقدرتی تبدیل کرد که آمریکا برای پیشبرد اهدافش در مناطق استراتژیک جهان از جمله خاورمیانه و خلیج فارس به آن نیاز داشت.



۲- بزرگترین مشکل بریتانیا، حفظ

اداره مستعمراتی بود که در تمامی قاره‌ها پراکنده بودند. اگر چه این مستعمرات سالها منبع درآمد برای لندن بودند اما خیزش‌های مردمی و مخالفت با استعمار، ضمن این که هزینه نگهداری را افزایش داده بود حفظ آرامش را نیز ناممکن ساخته بود که در این رابطه می‌توان به وضعیت شبه قاره هند اشاره کرد.

انگلیس هم مایل بود به تعدادی از این سرزمین‌ها استقلال اعطا کند و هم این که در صدد بود آنها را به نوعی به خود وابسته سازد. به همین دلیل این سرزمین‌ها و کشورها را در قالب سازمان کشورهای مشترک المنافع یا کامنولث گرد هم آورد.

امروزه سازمان کشورهای مشترک المنافع اگر چه کارایی خود را از دست داده و یک قدرت یکپارچه سیاسی - اقتصادی تلقی نمی‌شود اما فلسفه وجودی خود را نیز از دست نداده است.

از جمله کشورهای عضو این سازمان باید به استرالیا اشاره کرد که سالها مستعمره بریتانیا بوده و هنوز هم دارای نظام سیاسی فرمانداری کل است. در این سیستم سیاسی، هر چند قدرت در دست نخست‌وزیر و حزب حاکم بوده و کشور حالتی مستقل و غیروابسته دارد اما در رأس آن فرماندار کل قرار دارد که توسط ملکه انگلیس تعیین می‌شود.

## انتخابات استرالیا

استرالیا چند هفته قبل شاهد برگزاری انتخابات سراسری بود. در این انتخابات رقابت اصلی بین دو حزب کارگر و محافظه کار بود. با وجود این که حزب کارگر در سالهای اخیر قدرت را در دست دارد اما محافظه کاران نشان دادند که از قدرت و توان کافی برای رقابت با حزب حاکم برخوردار می‌باشند.

رقابت شانه به شانه دو حزب به گونه‌ای بود که برای نخستین بار در ۷۰ سال اخیر هیچ یک از دو حزب نتوانست اکثریت قاطع پارلمانی را به دست بیاورد لذا آنها ناگزیر هستند برای کسب رأی اعتماد پارلمان و تشکیل دولت دست به سوی احزاب کوچکتر و یا

بریتانیا بزرگترین و قدرتمندترین کشور استعماری جهان می‌باشد که به قولی آفتاب در آن غروب نمی‌کرد زیرا این امپراتوری آنچنان گسترده بوده و در تمامی قاره‌ها ریشه دوانیده بود که همواره آفتاب در آن می‌تابید.

ولی امپراتوری استعماری بریتانیا که از لندن هدایت می‌شد به تدریج کوچک شده و اقتدار و توان خود را از دست داده و انگلیس قلب این امپراتوری به قدرت دست دوم در صحنه جهانی تبدیل شد تا حدی که انگلستان کنونی از نظر اقتصادی همان قدرت درجه دوم نیز باقی نمانده و بیش از پیش افول کرده است. هر چند بریتانیا از جنگ اول جهانی به صورت یک ابرقدرت خارج شده و همراه با فرانسه به تقسیم جهان پرداخته و بر دامنه مستعمراتش افزود، اما جنگ دوم جهانی نقطه پایانی بر سیاست استعماری لندن بود، زیرا پس از جنگ دوم جهانی شرایط تغییر یافته و ملت‌ها حاضر به پذیرش استعمار نبودند.

علاوه بر مخالفت‌هایی که با استعمارگری می‌شد و پایان دوران سیاست قایق‌های توپدار، بریتانیا نیز که زمانی آفتاب در آن غروب نمی‌کرد قدرت و نفوذ خود را به تدریج از دست داده و تحت تاثیر توان دو ابرقدرت شرق و غرب قرار گرفت که تازه نفس بوده و سیاست‌های خاصی را اعمال می‌کردند.

بریتانیا که قادر به مقابله با دوا بر قدرت نبود و سیاست را پیش گرفت تا ضمن استمرار حضور در جمع قدرتمندان، مستعمراتش را نیز به نوعی حفظ کند. این سیاست‌ها عبارت بودند از:

۱- انگلیس که سالها قدرت برتر جهانی بود با وجود این که از نظر نظامی و اقتصادی قادر به رقابت با آمریکا و شوروی نبود اما دارای قدرت و توان سیاسی بود تا از این طریق بتواند جایگاه قابل توجهی در میان ابرقدرت‌ها به دست بیاورد.

هر چند آنها در جریان جنگ دوم جهانی متحد یکدیگر بودند اما حوادث پس از جنگ، دوا بر قدرت